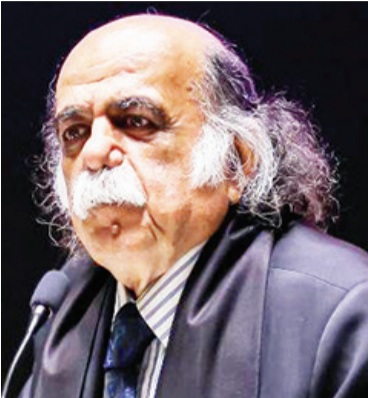


# برگزاری باشکوه شب فردوسی در میکامال کیش

اقتصاد کیش – آئین شب فردوسی با حضور

تعدادی از اندیشمندان و صاحب نظران فرهنگی و ادبی کشور ، سرمایه گذاران و مدیران بخش خصوصی و اقشار مختلف مردم کیش و به همت مجموعه تجاری ، گردشگری میکامال در محل



دکتر میرجلال‌الدین کزازی در آئین بزرگداشت حکیم ابوقاسم فردوسی در میکامال کیش بایبان اینکه شاهنامه، نامی فرهنگومش و اندیشه‌ی ایرانی است،گفت:سیار فرزیند و فراتر از آن است که آن را تنها آفریده‌ای علوی ببینید.از این دیدهم شاهکاری شگرف،شگفت‌انگیز،به راستی ورجاوندی‌بی ماننددر پهنه‌ی گیتی است.

کزازی در آغاز سخن با بیان اینکه که سخت‌ترین، استوارترین سنجده در شناخت ایرانی راستین و سرشتین،



دکتر محمدابراهیم انصاری لاری در آئین «شب فردوسی» در میکامال کیش با بیان اینکه پنداره خرد در میان همه‌ی پندارها و انگارها و گزاره‌های شاهنامه پرسمادمتین و کلیدی‌ترین و ازهی شاهنامه است،افزود: پنداره خرد از دیرباز تاکنون بیشترین رویکرد در سخن‌سنجان و شاهنامه‌پژوهان را به‌خودش مایل کرد.

محمدابراهیم انصاری لاری در آغاز سخنانش ضمن قدرانی از نادر کشتکار برای برگزاری رویدادهایی که در یک سال گذشته در حوزه فرهنگ و هنر و ادب کیش رقم زده است، خاطر نشان ساخت: این کارها بر آمده از سرشٔ پاک فرهنگ و خوی مردمی ایشان است. وی افزود:همچنین از همه دیگر دست‌اندرکاران برگزاری شایسته‌این رخدادبه‌ویژه چه‌رحی روشن و شناخت‌شده حوزه فرهنگ و رسانه،دوست عزیز و دوست‌داشتنی و خوشفکرم جنابرشیدپورهم‌صمیمانه‌تشکر می‌کنم. این استناد دانشگاه افزود: دربارہ فردوسی و شاهکار جاودانه او و باریکبینی انسانی و تک‌پرده‌زای‌های انتلاقی وحکمت‌های ژرف‌فلسافت‌ورزی و آموزه‌های بلندفرمانی روای که در لابلای داستان‌های گبر او پُر کِشش شاهنامه آگاه است، و به‌ویژه درباره کارکردی همتا و کارآمدشاهنامه‌مدردن که در دلعبت‌ایرانی و کیستی بخشی به‌آن وجیستی بخشی به‌زبان فارسی فراوان گفته‌نوشده شده، اما پنداره‌ی خرد در میان همه‌ی پندارها و انگارها و گزاره‌های شاهنامه‌به‌پرسمادمتین و کلیدی‌ترین و ازهی شاهنامه است که از دیرباز تا کنون بیشترین رویکرد سخن‌سنجان وشاهنامه‌پژوهان را به‌خودش مایل کرده و برای نمونه‌سخن‌سنجانامار شاهنامه‌پژوه‌گر آلمانیاستاد



کورش کمالی سروسنناتی در آئین شب فردوسی میکامال گفت:تقارن بزرگداشت‌سعدی فردوسی دو شاعر بلندآوازی ادب فارسی در اردیبهشت‌ماه جلالی بهانه‌ای است که در این نشین دل‌انگیز در جزیره کیش به فردوسی و سعادی بیزرذیم و با قدردانی از عوامل برگزاری این رویداد ادامه داد: شکوفایی فرهنگ و بازگشت به گذشته‌همراه‌بازسازی در دوران فردوسی اتفاق افتاد.

رئیس مرکز سعدی‌شناسی و دانشنامه فارس، حرکت شعر فارسی از حماسی به غنایی را در دوران سعدی دانست و گفت:ذوق ایرانی از اسطوره‌ها و افسانه‌به واقعیت غنایی رسیدی و این نشان می‌دهد مردم ایران

عرصه و نادر کشتکار بعنوان میزبان و برگزار کننده

این آئین فاخر سخنرانی کردند . اجراء این برنامه رارضا رشید پور مجری توانای کشور بر عهده داشت. متن سخنان ایراد شده در این مراسم در پی می آید:

**دکتر کزازی در بزرگداشت فردوسی در میکامال؛**

## شاهنامه، نامه‌ی فرهنگ و منش و اندیشه‌ی ایرانی است

چون شاهنامه‌سنجدینی‌نمی‌تواندبُردبایلیادادیسه‌بالتییدسرمزمنامه‌ی بزرگواروبایبان‌بارامایاتو‌مهابهاراتا دورزمنامه‌ی بزرگ هنوان، با هر زرنامه‌ای دیگر، وی افزودشاهنامه را می‌توان سنجدی‌اما‌سنجدبه‌بی‌گمان‌در پایان سنجش و پژوهش به استواری؛بی‌چندوچون،به هر آیینگی باور خواهد کرد که شاهنامه زرنامه‌ای است از گونه‌های دیگر،اگر شاهنامه در یکی از باریک‌ترین و دشوارترین روزگاران در تاریخ ایران سروده‌شده‌ی، به گمان بسیار، ما هم اکنون خود را ایرانی نمی‌دانستیم، به زبان‌شکرین و شیوا و شواهر پارسی با هم سخن نمی‌فختم،هرایرانی‌وامدادشاهنامه‌ست‌بپاس‌ایرانی بودنش،خبریت‌سند‌بندی‌مانند،ایرانی‌بودن‌که‌به‌په‌ری مافتاده‌است‌آن‌چه‌من می‌گویم از سر‌سفتگی‌به‌ایران

ایرانی خویشان شناس، دوستاری فردوسی و شاهنامه است، خاطر نشان ساخت این که شما در این بزم همباز شده‌اید، گواه گرامی و گرانسنگ آن است که از ایرانیان راستین و سرشتین هستید.وی افزودشاهنامه تنها یکی از دیوان‌ها در کنار شسماری بسیار از دیوان‌های سخن پارسی نیست. شاهنامه، نامه فرهنگ و منش و اندیشه ایرانی است.بسیار فرزوتر و فراتر از آن است که آن را تنها آفریده‌ای ادبی بدانید.از این دید هم شاهکاری شگرف، شگفتی‌انگیز،به‌راستی‌ور‌جاوندی‌ماننددر پهنه‌ی گیتی است.

این شاهنامه‌پژوه‌ادیب‌ایرانی‌افزودبسنده‌است‌که‌شما شاهنامه را با دیگر زرنامه‌های پراوازه جهان بسنجید. آشکارا خواهید دید که هیچ‌یک از آنها‌در چندی‌نه‌در

**سخنان مهم دکتر انصاری لاری در آئین شب فردوسی میکامال:**

## در جستجوی خرد و نقدی‌خردی

ارجمند کزازی که با بودن پُر ارچشان و سخنان شیوا و پرورشان بر رونق و دورتر شدیم، که هزاران خروار انصاری لاری خاطر نشان ساخت: و پژوهش‌های پربارشان بیشترین پروای واکاوی‌ر به‌پنداره‌خردداشتند که‌به‌زیبایی‌واستواری‌شاهنامه‌را‌خردنامه‌می‌دانند.زبان شعر‌ی فردوسی یک‌زبان‌ساده‌صریح،روشن‌وزودفهم هست، به‌تعییر یکی از اساتیدزبان‌ادیبات فارسی‌جناب دکتر دادیه، چنین زبانی را زبان پیراسته‌می‌خواند:زبان پیراسته یعنی زبانی که از آرایه‌ها و صنایع ادبی پیچیده‌دیرفهم خالی و پیراسته باشد، برخلاف زبان حافظ که آکنده از صنایع ادبی پیچیده و دیرفهم است که خواننده مدتی را باید در گبر این صنایع ادبی باشد تا راهی به‌معنای شعر پیدا کند.شاهنامه‌ام‌بر‌سیاق‌ساده‌وروان‌وزودفهم و پرتأثیر است،اماد کنار این ویژگی‌ها در جای‌جای شاهنامه‌کم‌و‌بیش‌یک‌نگاه‌حکیمانه‌وژرف‌فلسوفانه احساس می‌شود،به‌خصوص وقتی که فردوسی از خرد سخن می‌گوید،این‌نگاه‌آشکارتر و پیداتر خواهد بود. وی افزود:فردوسی خردراکلیدی‌ترین‌پنداره‌ی‌شاهنامه‌شمرده‌است، و خرد راکنون همه، خادها و اتفاقات شاهنامه‌قصر ا داده، و در این صورت نگاه‌حکیمانه‌و خردمندانه‌و به‌مقوله‌خردبیشتر دریافت‌می‌شود.وقتی اهمیت این نگاه را بیشتر و بهتر می‌شود فهمید که به خاطر پیرویم فردوسی در زمانه‌ای شاهنامه را باید آوردی که‌مکتب‌فکری‌معزله‌که‌قائل‌به‌عقل‌گرای‌بودن‌بودی‌اراده‌ی آزاد انسان ارزش و احترام قائل بود،نفس‌های آخرش را می‌کشید و آن‌سوتر،مکتب‌فکری‌اشاعره‌که بی‌اعتنایی به عقل و اراده‌انسان از ویژگی‌های پایه‌ای او محسوب می‌شود،در حال ریشه‌و‌اندان‌بود.تا‌جایی‌که به نظر یکی از پژوهشگران معاصر، از آن تاریخ به بعد تا قرن‌ها در ایران خبری از پنداره‌خرد‌و خردورزی نبود. انصاری لاری ادامه داد: تا جنبش مشروطیت که یک تلاشی برای زرد کردن عقلایت و احترام به اراده‌انسان و حقوق و آزادی‌های اساسی او بود،اما‌چنان‌که‌می‌دانید آن‌ها نام ناک ماند، و چه بگوئیم بعد از مشروطیت که

**نادر کشتکار در شب بزرگداشت فردوسی:**

## کشمکش‌های بی‌فرجام، تباه‌کننده‌ی جان آدمیان است

مدیرعامل و بنیان‌گذار میکامال در آئین بزرگداشت فردوسی در میکامال کیش با یادی از شاهرخ مسکوب گفت: کشمکش‌های بی‌فرجام، تباه‌کننده‌ی جان آدمیان است و هیچ‌یک از رزم‌آوران پیروز نیستند، همه بسا هدفی یگانه به

داری هر دو ذوق و تمامی قلمرو‌های مذکور است که‌به انسان‌هویت‌ادبی‌می‌بخشد.کمالی تأکید کرد:فردوسی و سعادی دوروی سکه‌ی تمدن ایرانی هستند، فردوسی به ضرورت و روشن‌بینی در احیای زبان ایرانی، کاری کارستان کرد و سعادی با‌زمان‌شناسی‌راستین‌با‌بهرمندی‌از‌همان‌زبان‌کوشیده‌است‌به‌احیای‌حکمت‌ایرانی‌بپردازد.

این پژوهشگر، زبان‌شناس و نویسنده در سخنان خود با اشاره به اینکه دوران فردوسی، دوران نوزایی رنسانس و شکوفایی فرهنگ ایرانی است، تأکید کرد: کودکی فردوسی هم‌زمان با اوج‌گیری فریحه‌ی رودکی است و پیروی او هم‌زمان با آغاز سخن‌سرایی ناصر خسرو؛ به عبارت دیگر، درست در دوران زندگانی فردوسی، زبان ذری زبان شعر و ادب شد، به حد کمال رسید و مجامع بزرگی از شعرا و نویسندگان در دربار سامانی و غزوی در خراسان بزرگ پدید آمد. این سینا و بیرونی معاصر فردوسی‌اندو‌راز‌ی،طبری‌فاریانی،غزالی‌خیام و بیهقیسی با کمی فاصله‌به‌همان‌دوران‌تعلق‌دارند.در

کمتروانی از تاریخ ایران چنین کیهانشا پرستاره‌ای از درخشان‌ترین چهره‌های علم و ادب و هنر و سیاست و آن‌جوش و تلاش شکوفایی همه‌گیرا می‌توان دید. و شاید بتوان گفت که این دوران در نوع خود بی‌نظیر است. در این دوران شکوفایی فرهنگی بازگشت به گذشته‌نه‌به‌معنای‌ارتجاعی، بلکه‌به‌معنای‌نوزایی‌شکوفایی‌فرهنگی است.

کورش کمالی ادامه داد: در حالی که دوران سعادی چنین نیست، دورانی برآشفته‌است‌چون‌موی‌زنگی، شکست‌های تاریخی، حمله‌مغول،بحران‌اقتصادی‌و اجتماعی‌و فروپاشی مراکز بزرگ سیاسی و فرهنگی و مذهبی آن روزگار، یأس و فقر و ناپسانمانی و بی‌اخلاقی راگسترش داده‌است.در این میان در گذار دوره‌نخست‌به‌دوره‌دوم، شاهد حرکت نوع ادبی در زبان و ادبی فارسی هستیم،حرکت‌شعر فارسی‌از حماسی‌به‌روایی

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، ۹ ذی‌القعدة ۱۴۴۵، ۱۸ می ۲۰۲۴، شماره ۴۴۶۶ (۱۸۵۰ دوره جدید)، ۱۲ صفحه



فرهنگ‌های اروپایی آشکار شده‌است.وی ادامه داد هنگامی که اروپاییان از چیرگی اون فرامان‌ناب‌پشتین جهان‌خوارگان‌هایی یافتند، کشوری که بر جای مانده‌دری‌به‌انجام‌رسانیده‌است؛این‌و‌ای‌است‌که‌ما‌به‌او‌هر کشوری خود را برتر از کشورهای دیگر می‌دانست، نبردهای بسیار در گرفت که به آن دو جنگ بزرگ جهانی ل‌تجدید

کزای با اشاره‌به‌اینکه‌ایران‌سرزمین‌شورهای‌گوناگون بوده‌است، گفت‌ما‌این‌کشورها‌پاره‌های‌از‌یک‌پیکره بوده‌اند،یکی‌از‌ارزش‌های‌بزرگ‌فرهنگی‌و‌تاریخی‌ایران همین‌است؛مردمان‌بسیار،‌از‌تبار‌های‌گوناگون،‌گاهی‌با نیست، هر کس ایران را بشناسد، به ناچار دل‌بدان خواهد باخت.

کزازی در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد:ایران هرگزملی‌گرتوبه‌است؛ملی‌گرایی‌دربرناسیونالیسم، ملی‌گرایی‌پدیدلای‌است‌که‌در‌همین‌روزگار‌نو‌در کشور‌های‌اروپایی آشکار شده‌است.وی ادامه داد جهان‌گامی که اروپاییان از چیرگی اون فرامان‌ناب‌پشتین بود پاره‌پاره‌شد،کشورهای‌گوناگون‌اروپایی‌پدید‌آمد، هر کشوری خود را برتر از کشورهای دیگر می‌دانست، نبردهای بسیار در گرفت که به آن دو جنگ بزرگ جهانی ل‌تجدید

کزای با اشاره‌به‌اینکه‌ایران‌سرزمین‌شورهای‌گوناگون بوده‌است، گفت‌ما‌این‌کشورها‌پاره‌های‌از‌یک‌پیکره بوده‌اند،یکی‌از‌ارزش‌های‌بزرگ‌فرهنگی‌و‌تاریخی‌ایران همین‌است؛مردمان‌بسیار،‌از‌تبار‌های‌گوناگون،‌گاهی‌با نیست، هر کس ایران را بشناسد، به ناچار دل‌بدان خواهد باخت.

و جوهره‌ی دین، باز نشان‌دهنده‌ی حکمت ژرف و نگاه فلسفی فردوسی به‌مقوله‌هایی‌مثل‌خرداست. مدیرعامل اسبق سازمان منطقه آزاد کیش با بیان اینکه وقتی خرد تیره‌شد، وقتی بی‌خردی‌چیده‌شد، همه چیز از انگاره‌راستین خود و از گوهر خود به در می‌شوند، افزود: در چنین شرایطی، شادی‌ها، غم‌ها، دوستی‌ها، دشمنی‌هایپیروزی‌هاشکست‌ها،فخر‌هاننگ‌هاهم‌مدیر جمهری‌به‌ی‌خردی‌اسیر می‌شوند و در اوام و خیالات نمایه‌ناراست و دروغین خود را هویدا می‌کنند.ای بسا در چنین شرایطی، کسانی چیزی را مایه‌مباهات و فخر بدانند که‌نگنی‌پیش‌نیست،‌چیزی‌را‌حماسه‌ی‌شیرین‌در تلقی‌کنند‌که‌فاجعه‌ی‌تلخ‌پیش‌نیست،‌به‌هر‌تقدیر‌خرد فردوسی را شاید بشود نوعی رویش‌بینی، نوعی فرست‌و شعور، که‌خداوند‌در‌نهاد‌همه‌انسان‌ها‌گذاشته‌و‌ممکن‌است‌یک‌بیابان‌گرد‌و‌کوششین‌آموزش‌ندیده‌از‌آن‌مراقبت‌کرده‌و‌آن‌را‌به‌نسبت‌خودش‌به‌کمال‌رسانند، باشد و از آن برخوردار و یک تحصیل‌کرده‌دانشگاه‌دیده‌ی‌یاز‌خوردفته‌این‌گوهر‌خداداد‌را‌بیاوه‌و‌رها‌گذاشته‌باشد و از آن‌ی‌بهره‌بخشد.

وی با اشاره‌به‌این‌موضوع‌که‌فضیلت‌ها‌در‌درون‌انسان شکوفای‌شوند،‌ریشه‌فضیلت‌ها‌را‌گوهر‌خرد‌دانست، و گفت:همان‌گوهری‌که‌در‌نهاد‌همه‌انسان‌ها‌ست، اگر مراقبت‌نشود،‌بخنه‌بشود،‌سخته‌بشود،‌بهر‌هش‌و فضیلت‌ها‌هم‌آرسان‌های‌ک‌صاحب‌میت‌هستند‌به‌فضیلت‌هم‌آرستند.شندن‌هرچیز‌بیابی‌هر‌چیز‌کی‌ویی، هر‌چه‌هستی،‌هر‌چه‌راستی‌از‌اینها‌بر‌وز‌و‌ظهور‌پیدا می‌کنند،‌و‌اگر‌صاحب‌این‌مرت‌ها،‌صاحب‌علم‌و‌دانش،‌صاحب‌قدرت‌و‌اقتدار،‌صاحب‌ثروت‌و‌ثروت‌و‌دانی،‌از‌چشمه‌خردشیدها‌شود،‌فضیلت‌ها‌در‌نیافت‌شود،‌هر‌چه‌بیشتر‌ادایره‌فضیلت‌دورو‌دورتر می‌شود‌و‌اگر‌به‌بی‌خردی‌مطلق‌گرفتار‌بشود،‌این‌ذیلت‌خواهد‌شد‌و‌ناگفته‌بیاد‌ست‌که‌ب‌عالم‌و‌دانشمندی‌فضیلت‌از‌وجه‌انتظاری‌می‌توان‌داشت‌جز‌جعل‌پراکنی،‌و‌رغ‌و‌خرد‌و‌دانی‌و‌ترویج‌خرافات‌و‌اوام‌و‌اف‌سفته‌گزینشی‌از‌دانسته‌ها و یادبودهایی برای یادآوری بزرگی و هویت غنی و الوای فرهنگی ایران سرافرازمان هشتم.

وی خاطر نشان ساخت: همواره پیش از ساخت میکامال با دوستان فرهنگ‌دوست و ادیب در اندیشه فراهم آوردن مکانی درخسور برای برگزاری مراسم و یادبودهایی شایسته مردم نجیب و شریف و فرهنگ‌دوست و هنرپرو کشورمان بودیم، امشب در حضور شما بزرگان سپاسگزار خدای مهربانم و سپس ممنون هستم و تلاش همکارانم که در حد توان از پس آنچه‌ی‌می‌خواستیم برآمدیم، کشتکار دو ادامه‌گفت: نکته‌ای که شاید یادآوری‌اش برای این روزهای ایران مفید باشد

**کورش کمالی سروسناتی در آئین شب فردوسی میکامال:**

## خلق زبان حماسه، هدیه فردوسی به ایرانیان بود

کمتروانی از تاریخ ایران چنین کیهانشا پرستاره‌ای از درخشان‌ترین چهره‌های علم و ادب و هنر و سیاست و آن‌جوش و تلاش شکوفایی همه‌گیرا می‌توان دید. و شاید بتوان گفت که این دوران در نوع خود بی‌نظیر است. در این دوران شکوفایی فرهنگی بازگشت به گذشته‌نه‌به‌معنای‌ارتجاعی، بلکه‌به‌معنای‌نوزایی‌شکوفایی‌فرهنگی است.

کورش کمالی ادامه داد: در حالی که دوران سعادی چنین نیست، دورانی برآشفته‌است‌چون‌موی‌زنگی، شکست‌های تاریخی، حمله‌مغول،بحران‌اقتصادی‌و اجتماعی‌و فروپاشی مراکز بزرگ سیاسی و فرهنگی و مذهبی آن روزگار، یأس و فقر و ناپسانمانی و بی‌اخلاقی راگسترش داده‌است.در این میان در گذار دوره‌نخست‌به‌دوره‌دوم، شاهد حرکت نوع ادبی در زبان و ادبی فارسی هستیم،حرکت‌شعر فارسی‌از حماسی‌به‌روایی

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، ۹ ذی‌القعدة ۱۴۴۵، ۱۸ می ۲۰۲۴، شماره ۴۴۶۶ (۱۸۵۰ دوره جدید)، ۱۲ صفحه



فرومرده‌درخوش‌یاقتم،‌این‌بار‌که‌آمدم‌دیدم‌نه،‌این‌شهر‌دیگر‌بار‌شکوفان‌شده‌است،‌از‌شادی‌زندگانی‌می‌درخشد.خیابان‌ها‌بار‌از‌کیشوندان‌و‌میهمانان‌کیش‌اند،‌منازعه‌ها‌آکنده‌از‌روشنایی‌اند؛‌بر‌سیدم‌داستان‌چیس‌ت؟‌چه‌رخ‌داده‌است؟‌این‌رستاخیز‌چگونه‌رخ‌داده‌است؟‌به‌من‌گفتند‌که‌یکی‌از‌آن‌ایرانیان‌راستین‌سرشتین،‌این‌رستاخیز‌را‌پدید‌آورده‌است‌در‌کیش.‌کشتکار،‌دانه‌هایی‌کشته‌است‌که‌به‌بار‌نشسته‌اند‌و‌از‌این‌پس‌می‌نشینند،‌هر‌کس‌مرا‌می‌شناسد‌می‌داند‌که‌من‌هر‌گز‌مرد‌سخن‌بیهوده‌چاپلوسی،‌گفته‌های‌گز‌اف‌زانیستم،‌نخستین‌بار‌دل‌می‌یازد‌به‌هر‌شیوه‌ای‌کاری‌انجام‌بدهد،‌حالا‌به‌گفته‌ی‌پیشینیان‌هیچ‌دبّه‌و‌زینبلی‌یا‌هیچ‌ناقه‌و‌جملی‌هم‌با‌ایشان‌ندارد؛‌اما‌هر‌کس‌برای‌ایران‌در‌این‌سرزمین‌سپید‌اهورایی،‌سرزمینی‌که‌هر‌کس‌آن‌را‌بشناسد،‌به‌ناچار‌بدان‌دل‌می‌یازد‌و‌به‌هر‌شیوه‌ای‌کاری‌انجام‌بدهد،‌در‌چشم‌من‌گرامی‌است.‌این‌ستایش‌از‌آنجاست.

دست پدر، در ماجرای تلخ رستم و سهراب، علت این فاجعه‌تلخ‌و‌پراندوهر‌فردوسی‌دوربودن‌از‌خردمی‌داند‌ویزرتگرین‌پهلوان‌خود‌را‌محبوب‌ترین‌شخصیت‌خود‌را‌در‌شاهنامه‌به‌حرص‌و‌آز‌متهم‌می‌کند‌و‌او‌را‌در‌حد‌چار‌پایان‌نیز‌ملی‌دهد،‌«جهاناشگفتی‌ز‌کردار‌تست‌هم‌از‌تو‌شکسته‌هم‌از‌تو‌درست»

این پژوهشگر و استاد برجسته در ادامه سخنان خود گفت: فردوسی با این نمایش‌های بسیار زیبا با ظرافت به‌ما‌آموزش‌می‌دهد‌که‌وقتی‌خردمندی‌هاضعیف،‌وقتی‌بیش‌ها‌کم‌رنگ‌و‌وقتی‌حکمت‌ها‌مهجور‌باشند،‌ثروت‌و‌دانی،‌قدرت‌و‌اقتدار‌می‌تواند‌بسیار‌خطرناک‌باشد‌و‌امروز‌به‌نظم‌همچون‌ویل‌دورانت‌که‌هنوز‌کاملش‌صادق‌و‌گیراست،‌دانش‌ها‌بر‌پیش‌ها‌چیره‌شده‌اند،‌علم‌بر‌حکمت‌سایه‌انداخته‌است،‌و‌این‌توسخسته‌توانی‌است،‌ما‌امروز‌در‌دنیای‌و‌به‌نظم‌ما‌بیشتر‌از‌تو‌توانی‌که‌ب‌مسئله‌ی‌بی‌سابقه‌ی‌تو‌مهمانی‌خیال‌پردازانه‌در‌حال‌حرکت‌هستیم،‌هیچ‌کدام‌واقعا‌برای‌انسان‌و‌نار‌و‌ببقرارمان‌جاگاه‌و‌آرامشگاهی‌پیدا‌نمی‌کنیم؟‌سرانجام‌کیاست؟‌به‌کجا‌می‌رویم‌برویم؟‌آرزوی‌ما‌چیست؟‌در‌کدام‌سرزمین‌و‌در‌کدام‌جاگاه‌کدام‌قله‌را‌می‌خواهیم‌فتح‌کنیم؟‌و‌در‌این‌سیر‌بی‌حکمت‌و‌در‌این‌مسیر‌پشت‌به‌خرد‌برای‌نفس‌نا‌آرام‌و‌بیقرارمان‌جاگاه‌و‌آرامشگاهی‌پیدا‌خواهیم‌کرد‌یا‌نه؟‌در‌این‌مسئله‌تفسیرکنیست‌ش‌خیال‌اندود‌نسل‌های‌دیگری‌را‌هم‌قر‌است‌تباه‌و‌ناپو‌کنیم؟

انصاری لاری افزود: امروز ما بیش از آن که به علم برتر، به فناوری‌نوتر‌نیزمانند‌باشیم‌به‌خرد‌بر‌تر،‌به‌حکمت‌زرف‌ن‌نیز‌داریم‌تا‌بتوانیم‌دیانت‌ب‌تر‌و‌منطق‌تر‌از‌جهان‌پیرامون‌از‌خودمان‌از‌تاریخ‌مان‌از‌فرهنگ‌مان‌آز‌آیدمان‌از‌مسائل‌راستین‌و‌گوهرین‌خودمان‌داشته‌باشیم،‌و‌کجاست‌و‌کجاست‌حکیمی‌از‌تبار‌فردوسی‌که‌قبل‌از‌اینکه‌ما‌را‌به‌علم‌بر‌تر‌بخواند،‌ما‌را‌به‌فناوری‌نوتر‌خرد‌بر‌تر‌دعوت‌کند‌و‌هم‌چیز‌ما‌را‌دانش‌بنیان‌خواهد،‌ما‌را‌به‌حکمت‌راجان‌ها‌هم‌در‌آزمیسد‌و‌آن‌را‌یک‌وحدت‌و‌شفاخش‌و‌یک‌امیدواری‌نصیب‌ملک‌و‌ملت‌بشود‌و‌ما‌را‌از‌آزادی‌و‌عدالت‌و‌ت‌ما‌عرفت‌و‌حقیقت‌و‌ت‌امانتیت‌ورفا‌بلا‌ببرد.

جدایشان کرده است. هر یک در مسیری خلاف دیگری راه خود می‌رود و درست، حرف خود می‌گوید و درست، اما راه و سخن یکدیگر را در نمی‌یابند. اندیشه هر یک برای آن دیگری بیگانه است و هرچه بر او حاکم و کردار خود پیکرتر است و استوارتر، برخورد و جدایی شدیدتر. حسن ختام سخنانی کشتکار با این سخن حکیم جواد سعیدی تارنج‌ها کم کنیم /دل همگنان شساد و خرم کنید که گیتی فسراوان نمآند. به کس /بی‌آزاری و داد جویند و بس

توانایی‌های تازه خود را به‌نمایش‌گذاشته‌است، چنین بود که شاهنامه فردوسی در ذهن‌ها جای گرفت، ورد زبان مردم‌شد‌و‌بسیاری‌از‌بیت‌ها‌و‌مصرع‌های‌آن‌ضرب‌المثل‌و‌هویت‌آفرین‌شدند.

کمالی سروسناتی در پایان سخنانش تأکید کرد: ظهور سعیدی در ادب فارسی در زمانی دیگر و در شرایطی دیگر تکرار همان معجزه‌ای بود که با ظهور فردوسی به‌وقوع‌پیوست.اگرچه‌در‌قرن‌هفتم‌سنت‌ادب‌عرفانی‌سننایی‌و‌عطار‌به‌دستی‌شاعر‌بزرگ‌معاصر‌سعیدی،‌جلال‌الدین‌مولوی‌و‌اوج‌خود‌می‌رسید،‌سنت‌شاعران‌زبان‌آفرینی‌چون‌روح‌فردوسی،‌فرخی‌و‌انوری‌از‌اوایل‌قرن‌ششم‌به‌تکرار‌و‌تقلید‌و‌تصنع‌دچار‌شده‌بود.وقتی‌زبان‌شعر‌و‌ادب‌ملتی‌بی‌طراوت‌و‌هی‌رمت‌می‌شود،‌نیزمانند‌شاعری‌خواهد‌بود‌که‌گرد‌و‌غبار‌از‌آن‌بر‌زاید.عناصر‌سالم‌و‌طبیعی‌و‌زیبایی‌های‌فراموش‌شده‌سنت‌ادبی‌را‌در‌خاطره‌ها‌زنده‌کند،‌سنت‌نوبنی‌بیافریند‌و‌زبان‌با‌دوباره‌به‌سحری‌تازه‌به‌سخن‌در‌آورد.شاعران‌بزرگ‌چنین‌اند:‌سنت‌شناس‌و‌سنت‌آفرین،‌سعیدی‌چنین‌شاعری‌بود.‌با‌ظهور‌سعیدی‌دوباره‌زبان‌فارسی‌حیات‌تازه‌ای‌یافت،‌دوباره‌فارسی‌زبانان‌با‌زبان‌نه‌به‌عنوان‌ابزار‌مستعمل،‌نه‌به‌عنوان‌کلیده‌ای‌کنه‌و‌وسیله‌تفنن،‌بلکه‌به‌عنوان‌شیئی‌هنری‌روبه‌رو‌شدند.